

A Lexical Stylistic Analysis of Ziyarat Nāḥiya al-Muqaddasa

Vahideh Motahari^{1,*}, Reyhaneh Mollazadeh² and Fatemeh Tozandehjani³

1*-Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.

2-Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.

3- MA in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.



Article Info	ABSTRACT
DOI: 10.22084/dua.2026.31280.1185 Article history: Received: 2025 August 2 Received in revised: 2026 July 12 Accepted: 2026 July 15 Keywords: Ziyarat Nāḥiya al-Muqaddasa, Stylistics, Lexical Level, Lexical Analysis. * Corresponding author. Email: : v.motahari@alzahra.ac.ir ✦ Email(s): r.mollazadeh@alzahra.ac.ir, Toozandehjanifatemeh783@gmail.com Publisher: Bu-Ali Sina University.	Stylistics, as one of the key branches of linguistics, serves as an important analytical tool for gaining a deeper understanding of literary, religious, and cultural texts. By examining various linguistic levels, this discipline enables a more precise recognition of the individual style of the author or speaker, the type of discourse, and the cultural and ideological weight embedded in the vocabulary of the text. One of the important levels of stylistic analysis is the lexical level, which, through the analysis of word structure, frequency, semantic context, cultural and ideological features of words, the type of lexical selection, and related rhetorical devices, can uncover hidden layers of meaning. Ziyarat Nāḥiya al-Muqaddasa is one of the prominent texts in the Shi'a pilgrimage tradition, which honors Imam Ḥusayn (peace be upon him) and his martyred companions on the day of 'Āshūrā. This text is worthy of reflection and analysis from various religious, literary, emotional, and historical perspectives. The literary structure of this pilgrimage text not only carries emotional and epic weight but also reflects religious, historical, and mystical discourses within its inner layers. Focusing on the lexical level of this ziyāra, the present study seeks to examine its stylistic features in the field of lexicology using a descriptive-analytical approach. Emphasizing lexical selection in this ziyāra, the study attempts to show how the specific use of vocabulary and the repetition of certain words contribute to the more effective transmission of religious-mystical concepts and emotions. Among the important findings of this research is that Ziyarat Nāḥiya al-Muqaddasa not only reinforces religious emotions and beliefs through conscious lexical selection but also layers multiple semantic dimensions onto the text by employing epic, ritual, and mystical vocabulary. Therefore, attention to the lexical level is one of the keys to the hermeneutic and interpretive understanding of this sublime text. This analysis demonstrates how words, in combination with the semantic and structural context of the ziyāra, play a significant role in conveying tragedy, pathos, prayer, and epic.





سبک‌شناسی زیارت ناحیه مقدسه بر اساس تحلیل واژگانی

وحیده مطهری^{۱*}، ریحانه ملازاده^۲، فاطمه توزنده جانی^۳

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران v.motahari@alzahra.ac.ir

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران r.mollazadeh@alzahra.ac.ir

۳- کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران Toozandejanifateme783@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
شناسه DOI: 10.22084/dua.2026.31280.1185 سابقه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۱ مرداد ۱۴۰۴ تاریخ بازنگری: ۲۱ تیر ۱۴۰۵ تاریخ پذیرش: ۲۴ تیر ۱۴۰۵ کلیدواژگان: زیارت ناحیه مقدسه، سبک‌شناسی، سطح واژگانی، تحلیل لغوی ناشر: دانشگاه بوعلی سینا	سبک‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های کلیدی زبان‌شناسی، ابزار تحلیلی مهمی در فهم عمیق‌تر متون ادبی، دینی و فرهنگی محسوب می‌شود. این دانش، با بررسی سطوح مختلف زبانی، ما را به شناخت دقیق‌تری از سبک فردی نویسنده یا گوینده، نوع گفتمان و بار فرهنگی و ایدئولوژیک نهفته در واژگان متن می‌رساند. یکی از سطوح مهم تحلیل سبک‌شناختی، سطح لغوی و واژگانی است که با تحلیل ساختار واژگان، بسامد، بافت معنایی، شاخصه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک واژه‌ها، نوع گزینش واژگان، و آرایه‌های مرتبط با آن، می‌توان به لایه‌های پنهان معنا دست یافت. زیارت ناحیه مقدسه، یکی از متون برجسته در سنت زیارتی شیعه است که به امام حسین (ع) و یاران شهیدش در روز عاشورا درود می‌فرستد. این متن از جهات گوناگون دینی، ادبی، عاطفی و تاریخی شایسته تأمل و تحلیل است. ساختار ادبی این زیارت‌نامه، نه تنها حامل بار عاطفی و حماسی است، بلکه در لایه‌های درونی خود، گفتمان‌های دینی، تاریخی و عرفانی را بازتاب می‌دهد. پژوهش حاضر با تمرکز بر سطح واژگانی این زیارت، در پی آن است تا با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی - تحلیلی، ویژگی‌های سبکی آن را در حوزه واژه‌شناسی بررسی کند. پژوهش حاضر با تأکید بر گزینش واژگانی در این زیارت، سعی دارد نشان دهد چگونه استفاده خاص از واژگان و تکرار برخی کلمات، به انتقال مؤثرتر مفاهیم و احساسات دینی - عرفانی کمک می‌کند. از نتایج مهم این پژوهش آن است که زیارت ناحیه مقدسه نه تنها با گزینش آگاهانه واژگان، عواطف و باورهای دینی را تقویت می‌کند، بلکه با به کارگیری واژگان حماسی، آیینی و عرفانی، لایه‌های معنایی متعددی را بر متن سوار کرده است. بنابراین، توجه به سطح واژگانی، یکی از کلیدهای فهم هرمنوتیکی و تفسیری این متن فاخر به شمار می‌رود. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه واژه‌ها، در ترکیب با بافت معنایی و ساختاری زیارت، نقش مهمی در القای فاجعه، سوز، ناپیش و حماسه دارند



۱- مقدمه:

متون دینی، به‌ویژه زیارت‌نامه‌ها، از مهم‌ترین جلوه‌های میراث مکتوب اسلامی به شمار می‌آیند و افزون بر کارکرد عبادی، بازتاب‌دهنده‌ی باورها، عواطف، ارزش‌ها و نگرش‌های اعتقادی جامعه‌ی شیعی هستند. این متون، به دلیل پیوند عمیق میان زبان، معنا و تجربه‌ی دینی، ظرفیتی گسترده برای تحلیل‌های ادبی و زبانی دارند. در این میان، «زیارت ناحیه مقدسه» که به امام عصر (عج) منسوب است، از جایگاهی ویژه برخوردار است؛ زیرا هم از منظر تاریخی و اعتقادی اهمیت دارد و هم از جهت ساختار زبانی و شیوه‌ی بیان، نمونه‌ای برجسته از ادبیات آیینی شیعه محسوب می‌شود.

زیارت ناحیه مقدسه با بیانی عاطفی، حماسی و سوگ‌محور، واقعه‌ی عاشورا، شهادت امام حسین (ع) و مصائب خاندان و یاران ایشان را بازنمایی می‌کند. زبان این زیارت، تنها ابزاری برای گزارش واقعه نیست، بلکه با گزینش واژگان اثرگذار، ترکیب‌های عاطفی و تصویرهای اندوه‌بار، مخاطب را در فضای معنوی و عاطفی عاشورا قرار می‌دهد. از این رو، بررسی سبک‌شناختی این متن می‌تواند بخشی از لایه‌های پنهان معنایی، زیبایی‌شناختی و اعتقادی آن را آشکار سازد.

پژوهش حاضر در چارچوب نظری «سبک‌شناسی لایه‌ای» و با تمرکز بر سطح واژگانی انجام می‌شود. در این رویکرد، زبان متن در سطوح گوناگون بررسی می‌شود و سطح واژگان یکی از بنیادی‌ترین سطوح تحلیل به شمار می‌آید؛ زیرا واژه‌ها در متون دینی صرفاً حامل معنای قاموسی نیستند، بلکه بارهای عاطفی، فرهنگی، تاریخی و اعتقادی را نیز منتقل می‌کنند. بنابراین، تحلیل واژگان زیارت ناحیه مقدسه می‌تواند نشان دهد که چگونه انتخاب و تکرار برخی کلمات، ترکیب‌های خاص و حوزه‌های معنایی برجسته، در شکل‌گیری سبک و ویژه‌ی این متن نقش داشته‌اند.

مسئله‌ی اصلی این پژوهش آن است که ویژگی‌های سبکی سطح واژگانی زیارت ناحیه مقدسه چیست و این ویژگی‌ها چگونه در انتقال مفاهیم دینی، عاطفی و حماسی متن تأثیر می‌گذارند. بر همین اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با روشی توصیفی - تحلیلی و متن‌محور، واژگان زیارت را از نظر تکرار، دلالت‌های معنایی، بار عاطفی، ترکیب‌پذیری و نقش آن‌ها در ساخت فضای کلی متن بررسی کند.

پرسش اصلی پژوهش عبارت است از:

ویژگی‌های سبکی سطح واژگانی زیارت ناحیه مقدسه چیست و این ویژگی‌ها چگونه در انتقال مفاهیم دینی و عاطفی متن تأثیرگذارند؟

پرسش‌های فرعی پژوهش نیز عبارت‌اند از:

واژگان کلیدی و پرتکرار زیارت ناحیه مقدسه کدام‌اند و چه بار معنایی و عاطفی دارند؟

گزینش و ترکیب واژگان چگونه به شکل‌گیری سبک ادبی ویژه‌ی این متن انجامیده است؟

چه رابطه‌ای میان الگوی واژگانی زیارت و فضای حماسی - عرفانی آن وجود دارد؟

روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه‌ی متن‌محور است. در این مسیر، پس از استخراج متن زیارت ناحیه مقدسه، واژگان آن از جنبه‌های گوناگون بررسی می‌شوند و سپس یافته‌ها در چارچوب سبک‌شناسی واژگانی تحلیل خواهند شد.



۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های سبک‌شناختی در حوزه‌ی متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و ادعیه‌ی مأثور، در دهه‌های اخیر گسترش قابل توجهی یافته است. این پژوهش‌ها کوشیده‌اند با بهره‌گیری از روش‌های زبانی، بلاغی و ادبی، ویژگی‌های ساختاری و معنایی متون دینی را بررسی کنند و پیوند میان صورت زبانی و محتوای اعتقادی را نشان دهند. از آثار بنیادین در حوزه‌ی سبک‌شناسی فارسی می‌توان به کتاب سه‌جلدی «سبک‌شناسی» اثر محمدتقی بهار اشاره کرد که اگرچه عمدتاً به بررسی سیر تحول نثر فارسی می‌پردازد، اما در شکل‌گیری مطالعات سبک‌شناختی در ایران نقش مهمی داشته است. در زمینه‌ی متون دعایی نیز آثاری مانند «بررسی سبک‌شناسانه‌ی دعای کمیل» نوشته‌ی علی درویشانی از نمونه‌های قابل توجه به شمار می‌آید. این اثر با توجه به سطوح زبانی، ادبی و فکری دعا، نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای زبانی در انتقال مفاهیم معنوی و عاطفی مؤثرند.

در میان مقالات علمی نیز پژوهش‌هایی درباره‌ی سبک‌شناسی خطبه‌های نهج‌البلاغه، از جمله خطبه‌ی اشباح و خطبه‌ی متقین، انجام شده است. این پژوهش‌ها معمولاً با رویکرد توصیفی-تحلیلی، سطوح آوایی، نحوی، بلاغی، دلالتی و فکری متن را بررسی کرده‌اند. همچنین، مقالاتی درباره‌ی سبک‌شناسی برخی سوره‌های قرآن، از جمله سوره‌ی نازعات، به تحلیل عناصری مانند سجع، جناس، طباق، حذف و دیگر شگردهای بلاغی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که عناصر زبانی و ادبی در متون مقدس نقشی بنیادین در ایجاد تأثیر معنوی و زیبایی‌شناختی دارند.

در حوزه‌ی ادعیه و زیارات نیز پژوهش‌هایی درباره‌ی دعاها، چون کمیل، جوشن کبیر، ندبه، توسل، مکارم‌الاخلاق، ابوحزمه ثمالی، افتتاح، عرفه، مشلول، عدیله و صباح انجام شده است. این مطالعات غالباً در قالب مقاله یا پایان‌نامه، به بررسی جنبه‌های نحوی، بلاغی، معنایی، عرفانی و گاه تربیتی این متون پرداخته‌اند. تمرکز مشترک بسیاری از این پژوهش‌ها بر نشان دادن رابطه‌ی میان ساختار زبانی دعا و تأثیر عاطفی و معنوی آن بر مخاطب بوده است.

وجود این پیشینه، بررسی‌ها نشان می‌دهد که زیارت ناحیه مقدسه کمتر از منظر سبک‌شناسی واژگانی به‌صورت مستقل تحلیل شده است. بیشتر پژوهش‌های مربوط به این زیارت، بر ابعاد تاریخی، کلامی، اعتقادی یا محتوایی آن تمرکز داشته‌اند و کمتر به نقش واژگان، شبکه‌های معنایی، بسامد کلمات و بار عاطفی آن‌ها پرداخته‌اند. از این‌رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر سطح واژگانی، در پی آن است که بخشی از این خلأ پژوهشی را جبران کند.

۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

مطالعه و تحلیل سبک‌شناختی متون دینی نه‌تنها در درک دقیق‌تر پیام آن‌ها اهمیت دارد، بلکه به روشن‌شدن چگونگی کارکرد زبان در انتقال مفاهیم اعتقادی و فرهنگی نیز کمک می‌کند. زیارت ناحیه مقدسه، از جمله متونی است که هم جنبه زبانی-ادبی برجسته‌ای دارد و هم از نظر محتوایی، حامل لایه‌های غنی دینی، تاریخی و عرفانی است. از سوی دیگر، تاکنون پژوهش‌های سبک‌شناسی بر متون دینی بیشتر متمرکز بر جنبه‌های نحوی، بلاغی یا ساختارهای روایی بوده‌اند و بررسی سطح لغوی به‌مثابه یک نظام معنادار و دلالتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش از این منظر حائز اهمیت است که با تمرکز دقیق بر واژه‌ها، به استخراج لایه‌های پنهان معنایی و سبکی می‌پردازد.

افزون بر این، شناخت ویژگی‌های واژگانی زیارت ناحیه مقدسه می‌تواند در مطالعات تطبیقی سبک‌شناسی دعاها، در آموزش زبان و ادبیات عربی، در تحلیل ادبی متون عاشورایی، و حتی در حوزه مطالعات زبانی قرآن و حدیث، الهام‌بخش و راهگشا باشد.



۲- مبانی نظری پژوهش

سبک‌شناسی واژگانی یکی از مهم‌ترین سطوح تحلیل زبانی در متون ادبی و دینی است. این سطح به بررسی نوع واژگان، بسامد، معنا، کاربرد و تأثیر آن‌ها در ساخت لحن، معنا، و جهان‌بینی متن می‌پردازد. پژوهش حاضر نیز بر پایه نظریه‌ها و مفاهیم مرتبط با سبک‌شناسی زبانی و تحلیل واژگان بنا شده است.

۱-۲. مفهوم سبک در زبان‌شناسی

واژه «سبک» در زبان فارسی به معنای شیوه و روش بیان احساس و اندیشه است که در متون لغوی چون دهخدا و معین نیز به عنوان اسلوب و طرز بیان تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه سبک). این واژه در زبان عربی از ریشه «سَبَك» گرفته شده و در اصل به معنای گداختن فلزات و ریختن آن‌ها در قالب است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۸/۱۰). تعریفی که در لغت عرب از «اسلوب» ارائه شده، آن را معادل روش یا فن بیان معرفی می‌کند (طریحی، ۱۳۷۵: ۶۶/۴) و بر جنبه ساختاری و هنری تأکید دارد (زبیدی، ۱۳۰۶: ۵۷۸/۱۳). در واقع، این تعابیر حاکی از آن است که سبک، نه فقط ابزار بیان بلکه ابزاری برای فرم‌دهی به اندیشه‌هاست.

از منظر ادبی، سبک بازتابی از شخصیت، تجربه و دیدگاه‌های نویسنده است و از طریق انتخاب واژگان، تصویرپردازی و ترکیب جملات نمود می‌یابد (بهار، ۱۳۸۱: ۱۸). نویسندگان عرب نیز معتقدند که «اسلوب» روش خاصی در بیان معناست و با خلاقیت ادبی پیوند دارد (زرقانی، ۲۰۰۵: ۱۸۵/۲). در تعریفی دیگر، سبک وسیله‌ای برای ابراز تفکر، احساسات و توانایی نویسنده در انتقال عاطفه است و شامل سه عنصر تفکر، تصویرپردازی و قدرت تعبیر است (أبوالحاقه، ۱۹۹۶: ۲۰۹). تعبیر «سبک آینه شخصیت نویسنده است» بیانگر همین ارتباط عمیق میان فرم و محتواست (الشایب، ۱۹۴۵: ۴۶).

ابن خلدون در تعریف اصطلاحی سبک، آن را به قالبی تشبیه می‌کند که ترکیب‌های زبانی در آن سازمان می‌یابند، و این نگاه بر جنبه مهندسی آن تأکید دارد (فضل، ۱۹۹۸: ۹۴). در تفکر غربی نیز، واژه Style از ریشه لاتین stilus به معنای ابزار نوشتار گرفته شده و به مرور دلالت بر شیوه فردی در نوشتن یافته است (الکواز، ۱۳۸۶: ۴۷). بوفن نیز سبک را تجلی شخصیت نویسنده دانسته است (مجدی و دیگران، ۱۹۷۹: ۲۲). تعریف‌هایی چون نظر وردانک که سبک را گزینش فرمی متمایز بدون تغییر پیام می‌داند (وردانک، ۱۳۸۹: ۱۳۵)، و نیز دیدگاه خفاجی که فصاحت را عنصری اصلی در تحدی سبکی می‌داند (خفاجی، ۱۹۵۳: ۴)، همگی بر تمایز، پیوستگی در بیان و ساخت هنری در سبک تأکید دارند.

واژه «سبک» در زبان‌شناسی، به شیوه خاصی از به کارگیری زبان برای انتقال معنا، تأثیرگذاری و زیبایی اشاره دارد. سبک می‌تواند تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله موقعیت اجتماعی، مخاطب، هدف گوینده، و نوع متن تغییر کند. مایکل هلیدی از سبک به عنوان رابطه‌ای میان زبان و موقعیت یاد می‌کند.

۲-۲. نظریه سبک‌شناسی زبان‌شناختی

در سبک‌شناسی زبان‌شناختی، سبک نه صرفاً امری ادبی، بلکه پدیده‌ای زبانی - اجتماعی است و به سه سطح اصلی تحلیل زبان می‌پردازد:

در بررسی سبک‌شناختی متون، سه سطح اصلی زبانی، فکری و ادبی مدنظر قرار می‌گیرد. نخستین سطح، سطح زبانی است که به تحلیل ساختارهای نحوی، واژگان، تکرار، زمان افعال و آهنگ متن می‌پردازد. «این سطح خود به سه بخش آوایی، لغوی و نحوی تقسیم می‌شود. در بخش لغوی، توجه اصلی بر واژگان است؛ از جمله بسامد واژه‌ها، نوع آن‌ها (فارسی، عربی، بیگانه)، کهن‌گرایی، سره‌نویسی و نحوه گزینش واژه‌ها بر اساس محور جانشینی. اهمیت این بخش در آن است که واژه‌ها تنها



ابزار انتقال معنا نیستند، بلکه حامل بار عاطفی، فرهنگی و تاریخی‌اند و می‌توانند سبک فردی نویسنده را منعکس سازند» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۲۱۷). واژه‌ها در گذر زمان معنا و کارکرد خود را تغییر می‌دهند و از همین رو، «سبک‌شناسان به انتخاب‌های واژگانی برجسته، معنادار و نقش‌مند توجه خاصی دارند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). شناخت نظام واژه‌گزینی، برای پی‌بردن به نوع تفکر و جهت‌گیری ایدئولوژیک نویسنده نیز ضروری است.

سطح دوم، سطح فکری یا فلسفی است که به تحلیل درون‌مایه‌ها و دیدگاه‌های فکری نویسنده می‌پردازد. در این سطح، بررسی می‌شود که آیا متن درون‌گرا (انفسی) و ذهنی است یا برون‌گرا (آفاقی) و عینی، و اینکه نویسنده چه نگاهی به جهان دارد: آیا نگاهش خردگرایانه است یا عشق‌محور و عرفانی؟ آیا به موضوعاتی چون مرگ، زندگی، عشق، جنگ و صلح نگاهی خوش‌بینانه دارد یا بدبینانه؟ آیا گرایش‌های ملی‌گرایانه، مذهبی یا فلسفی خاصی را تبلیغ می‌کند؟ «تحلیل نگرش نویسنده نسبت به قهرمان داستان، یا نوع احساساتی که بر متن حاکم است، بخش مهمی از این سطح به شمار می‌آید» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۲۲۲). این سطح از تحلیل، به فهم بنیان‌های فکری و ایدئولوژیک متن کمک می‌کند و در کشف نیت مؤلف و معناهای عمیق اثر، بسیار مؤثر است.

در نهایت، سطح ادبی یا بلاغی، به بررسی شگردها و آرایه‌های ادبی در متن می‌پردازد. در این سطح، ابزارهایی چون استعاره، تشبیه، کنایه، جناس، سجع و دیگر صناعات بلاغی تحلیل می‌شوند تا روشن گردد که نویسنده چگونه از ظرفیت‌های زبانی برای آفرینش زیبایی و تأثیرگذاری استفاده کرده است. این سطح نشان می‌دهد که متن تا چه حد دارای لایه‌های بیانی هنرمندانه است و چگونه شکل و محتوا در خدمت یکدیگر قرار می‌گیرند تا اثر ادبی را خلق کنند. به این ترتیب، سطح ادبی نه تنها نشانگر مهارت زبانی نویسنده است، بلکه رابطه‌ای مستقیم با لحن، بافت، و پیام نهایی متن دارد و مکمل سطوح زبانی و فکری در تحلیل سبک‌شناختی به شمار می‌رود.

۳-۲. سطح واژگانی یا لغوی

در تحلیل سبک‌شناسی متون ادبی، بررسی نوع و میزان واژه‌های به‌کاررفته اهمیت بسزایی دارد. درصد لغات فارسی، عربی، یا حتی واژگان بیگانه نظیر ترکی و مغولی، میزان گرایش به کهن‌گرایی (آرکائیسم) از طریق استفاده از واژه‌های نزدیک به زبان پهلوی یا لغات مهجور، تمایل به سره‌نویسی، نوع اسم‌ها (بسیط یا مرکب، معنی یا ذات)، حروف اضافه و نحوه گزینش واژه‌ها بر مبنای محور جانشینی، همگی از عناصری هستند که در سبک فردی نویسنده تأثیرگذارند. «بسامد واژه‌ها نیز گاه به اندازه‌ای برجسته است که می‌توان آن را نشانه‌ای از سبک شخصی تلقی کرد، به‌ویژه زمانی که نویسنده معنا یا احساسی خاص را به یک واژه نسبت می‌دهد و آن را به دفعات تکرار می‌کند، هرچند آن واژه از حیث ساختاری جزو کلمات کلیدی متن نباشد» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

واژه‌ها، برخلاف تصور رایج، موجوداتی ایستا و صامت نیستند، بلکه حیات دارند و در طول زمان دستخوش تحول می‌شوند. آن‌ها دارای پیشینه تاریخی، بار عاطفی، فرهنگی و حتی هویت مستقل‌اند. برخی واژه‌ها در گذر زمان فرسوده می‌شوند و کاربرد خود را از دست می‌دهند، در حالی که برخی دیگر، به‌واسطه بافت‌های جدید زبانی و ادبی، دوباره احیا شده و معنای نو می‌یابند. «این پویایی واژگانی، در کنار تنوع در ساختار و معنا، عامل مهمی در تنوع سبک‌هاست. سبک‌شناسان به‌ویژه به مواردی توجه دارند که یک طبقه خاص از واژه‌ها، نقش پررنگ و معناداری در متن ایفا کرده باشند؛ زیرا چنین گزینشی بازتابی از اندیشه، عاطفه و شیوه تخیل نویسنده به‌شمار می‌رود» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۵۰).



از منظر سبک‌شناسی، واژه‌ها نه تنها وسیله‌ای برای انتقال معنا، بلکه نشانه‌هایی برای تمایز سبک‌ها و گرایش‌های فکری‌اند. تشخیص نظام حاکم بر واژه‌گزینی متن، به‌ویژه با تمرکز بر نوع واژگان غالب، امری ضروری است؛ چراکه «واژگان با ویژگی‌های صوری و معنایی خاص خود، زمینه را برای تحلیل دقیق‌تر سبک و نگرش نویسنده فراهم می‌کنند. کاربرد واژه‌های انتزاعی یا حسی، عامیانه یا رسمی، نو یا کهن، هر کدام بازتاب‌دهنده نوع خاصی از تفکر، جهان‌بینی و سبک بیانی است.» (همان: ۲۵۱) افزون بر این، واژه‌ها همواره حامل شاخصه‌های عقیدتی و ایدئولوژیک‌اند و تشخیص نشان‌دار بودن یا خنثی بودن آن‌ها می‌تواند در تحلیل ماهیت محتوایی و جهت‌گیری فکری متن بسیار مؤثر باشد.

۲-۴. بررسی سند و اعتبار روایی زیارت ناحیه مقدسه

آدمی برای رسیدن به اهداف و آرزوهای خود و در هجوم سختی، بیماری و تنگدستی دست نیاز به‌سوی خالق خویش دراز می‌کند و به دعا و نیایش می‌پردازد تا از درگاه خداوند طلب حاجت کند؛ اما اجابت دعا نیازمند تحقق شرایطی است. (واشیان و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳۳) زیارت ناحیه مقدسه از جمله زیارات معتبر امام حسین (ع) است که هم در روز عاشورا و هم در دیگر ایام خوانده می‌شود. این زیارت در شمار زیارات مطلقه قرار دارد و ضمن دارا بودن لحن مرثیه‌ای، واجد ابعاد معرفتی، عاطفی، حماسی و توسل‌محور نیز هست. «این متن، نسبت داده شده به امام عصر (عج) است و با تصویرسازی دقیق و شاعرانه از واقعه کربلا، زائر را در بطن رویداد عاشورا قرار می‌دهد؛ تا آنجا که زائر با چشمی اشک‌بار و قلبی سوخته، صحنه‌هایی چون مظلومیت امام حسین (ع)، وفاداری یارانش و جنایات دشمنان را مجسم می‌بیند. زیارت ناحیه پس از ایجاد شور عاطفی، روح زائر را به سمت تولی و تبری سوق می‌دهد و زبان و قلب او را به سلام بر امام و بیزاری از یزیدیان زمان می‌گشاید» (طالقانی، ۱۳۹۱: ۵۸).

زیارت ناحیه مقدسه از معتبرترین متون زیارتی شیعه است که در منابع کهن حدیثی و مزارشناسی ثبت شده و از نظر سندی، به امام معصوم (ع) منسوب است. قدیمی‌ترین منبعی که این زیارت را نقل کرده، شیخ مفید (م. ۴۱۳ق) در کتاب المزار است که هرچند نسخه آن از میان رفته، ولی علامه مجلسی در بحارالانوار عین عبارت او را نقل کرده و آن را از «زیارات روز عاشورا به روایت دیگر» دانسته است. پس از او، سید مرتضی علم‌الهدی (م. ۴۳۶ق) در کتاب مصباح الزائر این زیارت را روایت کرده و تصریح می‌کند که خود نیز هنگام زیارت امام حسین (ع) آن را قرائت می‌کرده است. سپس ابن‌المشهدی (م. ۵۹۵ق) در المزار الکبیر با تعبیر «مِمَّا خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ» آورده و بدین‌سان روشن می‌سازد که متن از ناحیه مقدسه و از سوی امام زمان (عج) صادر شده است. پس از این دوره، سید بن طاووس (م. ۶۶۴ق) در مصباح الزائر، علامه مجلسی در تحفة الزائر و محدث نوری در مستدرک الوسائل، همگی این زیارت را با استناد به منابع یادشده آورده‌اند. (انصاری قمی، ۱۳۸۲: ۶۶-۶۸)

هرچند نسخه اصلی برخی منابع اولیه در دست نیست، اما نقل متواتر علما و تصریح محدثان بزرگی چون مجلسی، محدث نوری، کاشانی، قمی و میلانی بر صدور آن از امام معصوم (ع) موجب اطمینان به اعتبار این متن گردیده است. افزون بر این، شیوه نقل راویان اولیه همچون ابن‌المشهدی که در آغاز کتاب خود تأکید می‌کند «این زیارات را از ثقات راویان با سند متصل به سادات» گرد آورده، نشانگر آن است که زیارت ناحیه مقدسه از حیث سندی در زمره متون مأثور معتبر قرار دارد. ازاین‌رو، تکیه بر این زیارت در پژوهش حاضر نه بر پایه نقل شفاهی یا شهرت متأخران، بلکه بر اساس تواتر مکتوب و اعتماد محدثان برجسته شیعه است.

زیارت ناحیه مقدسه با سلام بر پیامبران الهی و اولیای دین آغاز شده و با سلام بر امام حسین (ع) و یارانش ادامه می‌یابد. پس از آن، زیارت وارد شرح شخصیت امام حسین (ع)، زمینه‌های قیام و نیز وقایع جان‌گداز عاشورا می‌شود. اوصاف امام پیش



از نهضت، نحوه شهادت، و مصیبت‌هایی که بر ایشان و یارانش وارد شد، به شیوه‌ای شاعرانه و حماسی تصویر می‌شود. در پایان نیز با ابتهال و دعا به درگاه الهی و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت، ختم می‌یابد. «مضامین بلند، سبک موزون، کاربرد ادبیات استعاره‌ای و تصویرگرانه و نیز تطابق با دیگر زیارت معتبر، نشان از صدور این زیارت از زبان معصوم دارد؛ چنان‌که فرازهایی چون: «فالویل للعصاة الفساق، لقد قتلوا بقتلک الاسلام» و «عظّلوا الصّلاة و الصّیام» بیانگر مضامین عمیق دینی و حماسی در قالبی فصیح است» (ر.ک. قمی، ۱۳۳۹: ۲۳۳).

یکی از راه‌های تقویت سند زیارت ناحیه، همسویی محتوای آن با سایر روایات معتبر است؛ چنان‌که فقیه می‌تواند با مقایسه مضمون زیارت با متون متواتر، به اطمینان قلبی برسد. همچنین، تأیید و نقل آن از سوی علمای بزرگ شیعه نظیر شیخ مفید، شیخ محمد بن مشهدی، علامه مجلسی، محدث قمی، آیت‌الله حائری و سید عبدالرزاق مقدم از دیگر دلایل اعتبار این زیارت است (موسوی مقدم، ۱۳۹۱: ۳۵۸). افزون بر این، زیارت ناحیه واجد ویژگی‌هایی چون تبیین جنایات بنی‌امیه، ذکر مصائب امام، سلام‌های متعدد بر پیامبران و معصومان، معرفی سیمای ملکوتی امام حسین (ع) و فضائل و مناقب ایشان است. این ویژگی‌ها، متن زیارت ناحیه را به الگویی سبک‌شناسانه از ترکیب عرفان، حماسه، معرفت، و مرثیه تبدیل کرده است.

۳- بررسی و تحلیل سطح واژگانی زیارت ناحیه مقدسه

زبان دینی به‌ویژه در متون دعا و زیارت دارای سبک خاصی است که از طریق تکرار واژگان، انتخاب واژگان قدسی، کاربرد ضمائر خطاب مستقیم و گاهی شکواییه شکل می‌گیرد. برای تحلیل سبک‌شناسی واژگانی زیارت ناحیه مقدسه، ابتدا باید به زمینه تاریخی، ادبی و عاطفی آن توجه کرد. این زیارت، یکی از متون فاخر دینی در ادبیات عرب شیعی به‌شمار می‌آید که با زبانی شاعرانه و آکنده از بار عاطفی، واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش را توصیف می‌کند. این متن با تأکید بر واژه‌هایی که بار معنایی شدید، عاطفی و قدسی دارند، فضای سوگ، داغ، شکوه و حقانیت را در هم می‌آمیزد:

اَلسَّلَامُ عَلٰی اَدَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ مِنْ خَلِیْقَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی شَيْثٍ وَلِيٍّ اَللّٰهِ وَخَيْرَتِهِ،
 اَلسَّلَامُ عَلٰی اِذْرِیْسَ الْقَائِمِ لِلّٰهِ بِحُجَّتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی نُوحٍ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ،
 اَلسَّلَامُ عَلٰی هُوْدَ الْمَمْدُوْدِ مِنَ اللّٰهِ بِمَعُوْنَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی صَالِحٍ الَّذِي تَوَجَّهَ اَللّٰهُ بِكِرَامَتِهِ.
 اَلسَّلَامُ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ الَّذِي حَبَّاهُ اللّٰهُ بِخُلَّتِهِ،
 اَلسَّلَامُ عَلٰی اِسْمَاعِيْلَ الَّذِي قَدَّاهُ اللّٰهُ بِذَبْحٍ عَظِيْمٍ مِنْ جَنَّتِهِ.

متن با واژه «السلام» آغاز می‌شود که همچون ترجیع‌بند در هر بند تکرار می‌گردد؛ این تکرار ضمن ایجاد آهنگ، تأکید بر کرامت و مظلومیت شخصیت‌های مورد خطاب دارد. در هر بند، ترکیباتی از عبارات توصیفی، واژگان مرکب، استعاره‌های جسمانی و نمادهای قدسی دیده می‌شود.

۳-۱ ساختار واژگانی

برای درک عمیق‌تر ساختار واژگانی این زیارت، نمونه‌ای از آن را بررسی می‌کنیم. در این بخش، امام حسین (ع) نه تنها به‌عنوان شهیدی مظلوم بلکه همچون مظهر طاعت، کرامت، قدسیت و واسطه فیض الهی تصویر می‌شود. واژگان به‌کار رفته در این مقطع، هم‌زمان توصیفی، ستایشی، و معنابخش به مقام شهادت هستند:

اَلسَّلَامُ عَلٰی الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ،
 اَلسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَطَاعَ اللّٰهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ،



اَلسَّلَامُ عَلٰی مَنْ جَعَلَ اللّٰهُ الشِّفَاءَ فِيْ تَرْبِيَّتِهِ،

اَلسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اِلْجَابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ،

اَلسَّلَامُ عَلٰی مَنْ الْاَيْمَةُ مِنْ دُرِّيَّتِهِ.

«درود بر حسین که جان خویش را در راه خدا بخشید؛

درود بر کسی که در نهان و آشکار، فرمانبردار خدا بود؛

درود بر آن که خداوند شفا دهندگی را در تربتش قرار داد؛

درود بر کسی که اجابت دعاها در زیر گنبد اوست؛

درود بر آن که امامان از نسل اویند.»

از دید واژگان، این بخش از زیارت با تکرار ساختار نحوی «السلام علی...» آغاز می‌شود که نه تنها جنبه دعایی دارد بلکه با آهنگ و وزن ویژه‌ای به بیان تجلیل از امام حسین می‌پردازد. واژه‌ها غالباً از ریشه‌هایی انتخاب شده‌اند که بار معنایی مثبت، معنوی و عاطفی دارند: «سَمَحَت»، «أَطَاعَ»، «شِفَاء»، «إِجَابَةُ»، «دُرِّيَّة». افعال گذشته و مصدرهایی چون «سَمَحَت»، «أَطَاعَ» حاکی از تثبیت اعمال مقدس امام هستند و با ایجاد فضای قدسی، مخاطب را به ستایش فرا می‌خوانند.

کاربرد واژگان ترکیبی نظیر «مُهَجَّبَتِهِ» (جان)، «سِرِّهِ وَعَلَانِيَّتِهِ» (پنهان و آشکار) نوعی تقابل معنایی زیبا پدید می‌آورد که نه تنها دامنه طاعت را می‌نمایاند، بلکه شمول مطلق بندگی امام را در تمامی ابعاد زندگی‌اش نشان می‌دهد. همچنین واژگان چون «قُبَّتِهِ» و «تَرْبِيَّتِهِ» که به اجسام و مکان‌های مادی اشاره دارند، در دل خود بار قدسی و کرامتی می‌گیرند؛ این کاربرد واژگان جسمانی در بافتی قدسی، خود نوعی سبک دینی و عرفانی را بازتاب می‌دهد که در ادبیات شیعی جایگاهی رفیع دارد.

از منظر سطح لغوی، واژگان این مقطع در سه سطح عاطفی، دینی و بلاغی قرار دارند. واژه «سَمَحَت» که به معنای «بخشیدن با طیب خاطر» است، به جای واژه‌ای مانند «فَدَا» یا «بَذَلَ»، از دقت انتخاب واژگان و گرایش به لطافت و کرامت معنوی حکایت دارد. همچنین واژه «أَطَاعَ» در برابر واژه‌های سنگین‌تری مانند «امْتثل» یا «انقاد» قرار گرفته که ساده‌تر اما عمیق‌تر به بندگی اشاره دارد و با بافت معنوی زیارت تناسب دارد.

واژه «تَرْبِيَّتِهِ» نیز کاربردی بلاغی دارد، زیرا خاک که در نگاه معمول متاعی بی‌ارزش است، در این جا محل شفا قرار گرفته؛ این امر دلالت بر وارونگی ارزشی دارد که از مبانی بلاغت دینی نیز شمرده می‌شود. همچنین استفاده از واژه‌هایی با ریشه‌های قرآنی و نبوی مانند «شِفَاء»، «إِجَابَةُ»، و «دُرِّيَّة» باعث می‌شود که متن رنگ و بویی از وحی بگیرد و مخاطب با زمینه‌های پیشینی ذهنی دینی خود آن را بپذیرد.

۳-۲ بار معنایی واژگان

در این زیارت، واژگان نه تنها نقش انتقال معنا دارند، بلکه حامل بار عاطفی، عرفانی و ادبی خاصی هستند که متن را از سطح صرفاً روایی فراتر می‌برد. واژگان به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که حس عمیق اندوه، فراق، همدردی و شیفتگی را القا کنند و میان زائر و مظلومیت امام حسین (ع) پیوندی عاطفی و وجودی برقرار سازند.

واژگان با بار معنایی بالا و سطح فصاحت متعالی به کار رفته‌اند. ساختار واژگانی متنی که خواهیم دید، متکی بر واژگان ادبی، اندوه‌بار، ترکیبات عاطفی، و واژه‌های منتزع از ادبیات عرفانی و سوگ است. زائر، خود را در نقش هم‌سنگر، هم‌دل و حتی فدایی امام تصویر می‌کند و از واژگان پراحساس برای القای این پیوند بهره می‌گیرد:

«سَلَامٌ مِّنْ قَلْبِهِ بِمَصَابِكِ مَقْرُوحٍ، وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ،



سَلامُ الْمُفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِهِ الْمُسْتَكِينِ،
 سَلامٌ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالْطُّفُوفِ لَوَقَاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ الشُّيُوفِ،
 وَبَدَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُثُوفِ، وَجَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ،
 وَقَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ، وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَأَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً.
 فَلَيْتَ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورُ، وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمُقْدُورُ،
 وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا،
 فَلَا تُدْبِنُكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً، وَلَا تُبَكِّينَ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ،
 وَتَأْسَفًا عَلَى مَا دَهَاكَ، وَتَلَهُّفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ، وَغُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ.»
 سلام بر آن که دلش از مصیبت تو زخم خورده است و اشکش هنگام یاد تو، روان است؛
 سلام بر اندوهگین سوگوار واله فروتن؛

سلام بر آن که اگر در کربلا با تو بود، جان خویش را سپر شمشیرها برای نجات تو می ساخت،
 و جان نزار خویش را در راه تو فدای مرگ می کرد، و در پیش رویت جهاد می نمود و تو را بر دشمنانت یاری می داد،
 و جان و تن و مال و فرزند خویش را فدای تو می کرد، و روحش فدای روح تو، و خانواده اش سپر خانواده ات بود.
 پس اگر روزگار، مرا به تأخیر انداخت و تقدیر، مانع یاری تو شد،
 و من با دشمنانت به نبرد برخاستم، و با آن که با تو دشمنی کرد، دشمنی نورزیدم،
 پس بی گمان، صبح و شام بر تو نوحه خواهم کرد و به جای اشک، خون خواهم گریست، از روی حسرت بر تو،
 و اندوه بر آنچه بر تو گذشت، و حسرت و آه تا به سبب سوز مصیبت و غصه اندوه، بمیرم.

در این فراز، زبان با گزینش واژگانی شدیداً عاطفی و پرتنش، مخاطب را در بطن واقعه عاشورا می نشانند. واژه‌هایی
 همچون «مَقْرُوح»، «مُسْفُوح»، «مَفْجُوع»، «واله»، «مُسْتَكِين»، «الْحُثُوف»، «فِدَاء»، «غُصَّة»، «إِكْتِيَاب» و «لَوْعَة» از
 واژگان سطح بالای ادبی و فصیح‌اند که با دقت انتخاب شده‌اند تا حالات شدید احساسی چون اندوه، همدردی، تسلیم، فدایی
 بودن و شیف‌نگی مطلق را القا کنند. این واژگان هم از نظر ریشه و هم کاربرد، پیوندی با ادبیات سوگ، عرفان شیعی و بلاغت
 کلاسیک دارند.

از نظر بسامد واژگان عاطفی، این قطعه از متراکم‌ترین بخش‌های زیارت است. واژه‌هایی چون «قلب»، «دمع»،
 «مَفْجُوع»، «بَدَلَ»، «نَصْر»، «فِدَاء»، «غصه»، «إِكْتِيَاب» و «لَوْعَة» همگی بار معنایی شدیدی دارند که ریشه در تجربه‌های
 انسانی از فراق، قربانی‌دادن، عشق و درد دارند. بهره‌گیری از مشتقات باب افعال و تفعیل (مانند «أَبْكَيْتَ»، «أُنْدَبَيْتَ»، «تَأْسَفْتُ»،
 «تَلَهَّفْتُ») شدت و استمرار عمل را می‌رساند که در زبان عاطفی این بخش نقش تقویتی دارد.

از سوی دیگر، ترکیب واژگان در ساختارهای تکرارشونده مانند «سلام من...»، «سلام المَفْجُوع...» یا «وَقَدَاكَ بِرُوحِهِ...»
 و «وَالِهِ... وَوَلَدِهِ...» نوعی موسیقی درونی و هم‌نوایی در متن ایجاد می‌کند. واژگان، همچون نت‌های سوگ، در کنار هم معنا
 نمی‌سازند، بلکه یک تجربه حسی-عاطفی پیوسته را می‌آفرینند. با استفاده از واژگان مرتبط با مرگ و فدایی‌گری چون «حَدَّ»
 «السُّيُوفِ»، «الْحُثُوفِ»، «فِدَاء»، «بَدَلَ حُشَاشَتِهِ»، زبان به سطحی حماسی-تراژیک ارتقا می‌یابد.



۳-۳. ابعاد محتوایی واژگان

در سطح واژگانی، بررسی زبان زیارت‌نامه‌ها به ویژه زیارت ناحیه مقدسه از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چراکه این زیارات نه تنها بیانگر حالات روحی و عاطفی گوینده‌اند، بلکه حامل مفاهیم عمیق اعتقادی، تاریخی و اجتماعی هستند. از طریق تحلیل واژگان، می‌توان به سبک نگارشی، فضای معنایی، نوع مخاطب قرار دادن، شدت عواطف و رویکرد فکری پدیدآورنده پی برد.

در زیارت ناحیه مقدسه، واژگان هم بُعد خبری دارند، هم توصیفی، هم حماسی و هم عرفانی. این تنوع نشان‌دهنده سبک چندلایه و پیچیده این متن است که در آن، زبان در خدمت القای عظمت شخصیت امام حسین(ع)، مظلومیت ایشان و پابندی وی به اصول الهی قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های واژگانی این بخش، تکرار افعال ماضی است که بیانگر گزارش‌دهی از عملکرد شخصیت مورد خطاب (امام حسین علیه‌السلام) است؛ و دیگر ویژگی، به کارگیری صفات و ترکیباتی است که اغلب از ریشه‌هایی با بار معنایی مثبت و آرمانی انتخاب شده‌اند، مانند «رَفِيعَ الرَّتَبِ»، «عَظِيمَ السَّوَابِقِ»، «نَاصِرَ الْحَقِّ»، «زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا» و غیره: «زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهِدَ الرَّاحِلُ عَنْهَا، نَظَرًا إِلَيْهَا بَعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا، آمَلْتُكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةً، وَهَمَّتُكَ عَنْ زِينَتِهَا مَصْرُوفَةً، وَالْحَاطِلُكَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةً، وَرَغَبْتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةً».

زاهد در دنیا بودی، مانند کسی که از آن کوچ کرده باشد. به دنیا با چشم کسی می‌نگریستی که از آن وحشت دارد. آرزوهایت از آن بازداشته شده بود، و همت از زینت‌های آن منصرف، و نگاهت از شکوه آن برگرفته بود، و گرایش به آخرت شناخته شده بود.

در این بخش از زیارت ناحیه، واژگان از سطحی عادی فراتر رفته‌اند و بار معنایی دقیق و جهت‌داری یافته‌اند. استفاده از مشتقات ریشه‌هایی چون «زهد»، «وحشت»، «صرف»، «كَفَّ»، «طُوفَ»، «رَغَبَ» که همگی مربوط به زهد، ترک دنیا، و دل‌بستگی به آخرت هستند، نشان‌دهنده انتخاب آگاهانه واژگان برای ترسیم شخصیت قدسی و متعالی امام حسین علیه‌السلام است.

مثلاً «زاهدًا»، «الراجل»، «المُسْتَوْحِشِينَ»، «مَكْفُوفَةً»، «مَصْرُوفَةً»، «مَطْرُوفَةً». همگی نه فقط بار معنایی زهد دارند، بلکه از نظر واج‌آرایی نیز نوعی هارمونی آوایی در پایان واژگان با صامت «ف» و «ة» برقرار شده است که موسیقی کلام را تقویت می‌کند.

از نظر سبک‌شناسی واژگانی، نویسنده/گوینده زیارت‌نامه، به جای استفاده از واژگان توصیفی ساده، از استعاره‌های زنده بهره می‌برد. مثلاً «زُهِدَ الرَّاحِلُ عَنْهَا» نوعی تشبیه استعاره‌ای دارد که زهد امام را مانند کسی تصویر می‌کند که دنیا را چون مسافری ترک گفته است. همین‌طور ترکیب‌هایی چون «عَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ» نشانگر نگاه دوری‌گزینانه از دنیا است، نه فقط از منظر معرفتی بلکه از منظر احساسی (وحشت از دنیا).

این سطح از استفاده واژگانی، نشان می‌دهد که زبان زیارت، فقط زبان دعا یا سوگواری نیست، بلکه زبانی ادبی، دقیق، و چندوجهی است که در آن، واژگان نقش اصلی را در ترسیم مقام عرفانی و اخلاقی امام ایفا می‌کنند.

۳-۴. زبان واژگان؛ فصیح، دینی و قرآن‌محور

متن زیارت ناحیه مقدسه با بهره‌گیری از زبانی فصیح و رسمی، در پیوند کامل با سنت و حیاتی اسلام تنظیم شده است. واژگان به کار رفته در آن از زبان قرآن و ادعیه برگرفته شده‌اند و گویای سطح بالای فصاحت، دقت معنایی، و انسجام سبک



دینی است. زبان این متن نه تنها برای انتقال معنا، بلکه برای ایجاد حال و هوای قدسی و روحانی طراحی شده است؛ زبانی که هم مخاطب را به خشوع و تأمل وا می‌دارد و هم بافت زیارتی را به صورتی عمیق تجلی می‌دهد:

«الْسَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَى شَيْثٍ وَلِيِّ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ»

سلام بر آدم، برگزیده خدا؛ سلام بر شیث، ولی خدا؛ سلام بر یوسف، آن که خدا او را از چاه نجات داد.

در این مثال، واژگانی مانند «صِفْوَةِ»، «وَلِيِّ»، «نَجَّاهُ» نه تنها دربردارنده معنایی مقدس و دینی‌اند، بلکه ریشه در متون وحیانی همچون قرآن دارند. انتخاب این واژگان باعث می‌شود که متن زیارت در امتداد متن قرآن قرار گیرد و نوعی بینامتنیت مقدس شکل گیرد. استفاده از زبان فصیح و مانوس با کتب مقدس، موجب شکل‌گیری فضایی متبرک و آیینی می‌شود. افزون بر آن، بار دلالی این واژگان بسیار غنی است. مثلاً واژه «صِفْوَةِ» در کنار اسم خدا، به شکل ترکیب اضافی «صِفْوَةِ اللَّهِ» آمده است که معنایی متعالی و نشان‌دهنده مقام برگزیدگی آدم است. این قبیل ساختارها، نه فقط از لحاظ واژگان بلکه در سطح معناشناسی، مخاطب را با لایه‌های بالای معرفتی و دینی آشنا می‌سازد.

۳-۵ نقش تکرار در تقویت ساختار واژگانی و معنایی

یکی از ویژگی‌های بارز در زیارت ناحیه، تکرار آگاهانه ساختارهای واژگانی خاص است. تکرار واژگان یا عبارات در متون آیینی، نقشی تعیین‌کننده در تثبیت مفاهیم، ایجاد انسجام و تقویت آهنگ زبانی دارد. در این زیارت، عبارت «الْسَّلَامُ عَلَى...» در آغاز هر جمله، همچون طلسمی روحانی، پیوندی میان مخاطب و مقام زیارتی برقرار می‌کند و وجهی هم‌آهنگ و موزون به متن می‌دهد.

«الْسَّلَامُ عَلَى آدَمَ... السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ... السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ... السَّلَامُ عَلَى مُوسَى...»

سلام بر آدم... سلام بر نوح... سلام بر ابراهیم... سلام بر موسی...

تکرار عبارت «الْسَّلَامُ عَلَى» در آغاز هر فراز، نقش زبانی مهمی در انسجام متن ایفا می‌کند. این تکرار هم ساختاری و هم معناشناختی است. از نظر ساختاری، باعث ایجاد ریتمی منظم می‌شود که مناسب فضای معنوی زیارت است. از نظر معنایی نیز، هر سلام به منزله ادای احترام و پیوند روحی با یک پیامبر خاص است، که در مجموع مجموعه‌ای از مقامات الهی را در برابر دید مخاطب قرار می‌دهد.

تکرار در این متن نه تنها کاربرد بلاغی دارد بلکه جنبه عرفانی و روحانی نیز پیدا می‌کند. این سلام‌های پی‌درپی، مخاطب را از فضای دنیایی جدا کرده و وارد ساحت حضور قدسی می‌کند. از نظر سبک‌شناسی واژگانی، این نوع تکرار مؤلفه‌ای اساسی در متون زیارتی است و ارتباطی عمیق میان شکل و معنا برقرار می‌سازد.



جدول ۱. بسامد واژگان پرتکرار در زیارت ناحیه مقدسه

ردیف	واژه	بسامد تقریبی	نقش در متن
۱	السَّلامُ	125	محور معنایی و موسیقایی متن
۲	اللَّهُمَّ	28	آغاز دعا و نیایش
۴	الْحُسَيْنَ	21	هسته‌ی معنایی و عاطفی متن
۵	الشَّهَادَة	12	برجسته‌سازی مفهوم ایثار و فداکاری
۶	التَّوَر	10	نماد حقیقت قدسی

بدین ترتیب، تکرار واژه «السَّلامُ عَلَی» نه تنها ابزاری بلاغی برای القای تقدیس و نیایش است، بلکه شاخصی سبک‌شناختی به شمار می‌رود که بر نظم آهنگین، توازن معنایی و ریتم روحانی زیارت دلالت دارد. چنین نظم‌ی از دید سبک‌شناسی دینی، به وحدت در فرم و معنا منجر می‌شود و نشان می‌دهد که تکرار در زیارت ناحیه مقدسه صرفاً آرایه‌ای ادبی نیست، بلکه بخشی از معماری زبانی و الهیاتی متن است. همچنین واژگانی مانند «الْحُسَيْنَ»، «الشَّهَادَة» و «التَّوَر» نشان‌دهنده‌ی غلبه‌ی میدان‌های معنایی عاشورا، ایثار، قداست و هدایت در این زیارت هستند.

۳-۶. ترکیبات اضافی و سبک القاب قدسی

یکی از راهکارهای مهم در سبک واژگانی این زیارت، استفاده گسترده از ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) با بار دینی و قدسی است. این ترکیبات بیشتر در قالب «لقب + اسم جلاله» یا «صفت + اسم نبوی» به کار رفته‌اند و بار معنایی بلندی را منتقل می‌کنند. این شگرد سبک‌شناسانه، علاوه بر آنکه شأن پیامبران را برجسته می‌سازد، به نوعی زبان تشریف‌آمیز و تعظیم‌آمیز می‌انجامد.

«صِفْوَةُ اللَّهِ»، «وَلِيِّ اللَّهِ»، «خَلِيلُ اللَّهِ»، «رُوحُ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ»، «فِدَاؤُ اللَّهِ بِذَبِیحٍ عَظِيمٍ»

برگزیده خدا، ولی خدا، خلیل خدا، روح خدا و کلمه او، آن که خداوند او را با قربانی بزرگی فدا کرد.

این ترکیبات، همگی از نوع ترکیب اضافی هستند و ساختار معنایی آن‌ها به شدت به باورهای توحیدی و وحیانی وابسته است. مثلاً ترکیب «روح‌الله» یا «کلمه‌الله» مستقیماً به آموزه‌های قرآنی درباره حضرت عیسی اشاره دارد. استفاده از این نوع واژگان، بار قدرت سبک دینی متن را تقویت می‌کند و پیوند مخاطب با متن مقدس را تسهیل می‌نماید.

از سوی دیگر، این ترکیبات به واسطه بهره‌گیری از اسم جلاله یا واژه‌هایی چون «فداء»، «ذبح»، «کلمه»، لایه‌های معنایی چندگانه ایجاد می‌کنند. این ترکیب‌ها را نمی‌توان صرفاً ساختارهای نحوی دانست، بلکه حامل اندیشه، عقیده، و تجربه دینی‌اند. از این جهت، سبک واژگانی در این متن، دلالت‌های معنوی ژرفی را القا می‌کند.



۳-۷ نقش واژگان و ساخت لغوی در توصیف رسالت اجتماعی جهاد امام حسین علیه السلام

ادبیات زیارت ناحیه مقدسه، در اوج ایجاز و بلاغت، چنان سرشار از واژگان معنادار و حامل بار فرهنگی و اعتقادی است که خواننده را در سطح لغوی نیز با دقت به انتخاب‌های زبانی آن درگیر می‌کند. در این بخش، با نگاهی به توصیف اقدام امام حسین (ع) برای نهدی از منکر و مبارزه با فجّار، واژگانی را می‌یابیم که علاوه بر نقش اطلاعاتی، نقش عاطفی و ارشادی نیز دارند و انتخاب دقیق آن‌ها، سبکی معنوی، حماسی و گفتمانی خاص را رقم می‌زند. این واژگان به نحوی چینش شده‌اند که سلسله اقدامات امام را از شناخت و انگیزه، تا هجرت، روشنگری، امر به معروف، جهاد، و نهایتاً واکنش مردم نسبت به او، در قالب واژگان معنادار و قرآنی بازنمایی کنند. از سوی دیگر، حضور افعال مضارع و گذشته، واژگان قرآنی، ترکیب‌های دو واژه‌ای موزون، و نیز چینش واژگان متقابل و متجانس در کنار هم، سطح واژگانی این متن را از یک ساختار معمولی به سطحی ادبی و آیینی ارتقا می‌دهد که هر واژه نه تنها کارکرد معنایی بلکه کارکرد آیینی و احساسی دارد. این سبک از واژگان که در ادبیات زیارات امام حسین (ع) بسیار به چشم می‌خورد، هدفی دوگانه دارد: تبیین حقیقت و برانگیختن احساس مخاطب:

ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ، وَلَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ،

فَسِرْتُ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهَالِيكَ، وَشِيعَتِكَ وَمَوَالِيكَ،

وَصَدَعْتُ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ، وَدَعَوْتُ إِلَى اللَّهِ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،

وَأَمَرْتُ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَالطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ،

وَنَهَيْتُ عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ، وَوَاخَّهْتُكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدُوانِ.

فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِعْظَامِ لَهُمْ، وَتَأَكِيدُ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ، فَتَكُونُوا ذِمَامَكَ وَبَيْعَتَكَ.

سپس علم و آگاهی تو را به انکار منکر فراخواند، و لازم شد که با فاجران به جهاد برخیزی،

پس با فرزندان و خانواده‌ات و شیعیانت و دوستدارانت حرکت کردی،

و حق و برهان را آشکارا بیان نمودی، و با حکمت و موعظه نیکو به سوی خدا دعوت کردی،

و به برپایی حدود الهی و اطاعت از معبود فرمان دادی،

و از پلیدی‌ها و طغیان بازداشتی، و آنان تو را با ظلم و دشمنی رویارو شدند.

پس از پند و اتمام حجت، با ایشان جهاد کردی، ولی آنان عهد و بیعت با تو را شکستند.

در این فقره از زیارت، سبک واژگانی تلفیقی از زبان دینی - قرآنی با زبان ادبی حماسی است. واژگان کلیدی نظیر

«اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ»، «تُجَاهِدَ»، «صَدَعْتُ»، «دَعَوْتُ»، «أَقَمْتُ»، «نَهَيْتُ»، «أَمَرْتُ»، همه برگرفته از کاربردهای قرآنی و خطابی

هستند که در سنت دینی اسلامی برای توصیف پیامبران، مصلحان و پیشوایان استفاده شده‌اند. این افعال همگی باری معنوی،

مسئولیت‌مدار و اخلاقی دارند که نشان‌دهنده نقشی فراتر از کنش‌های عادی انسانی‌اند. کاربرد واژه «اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ» حاکی از

آن است که انگیزه حرکت امام، نه هوا و میل شخصی، بلکه آگاهی قدسی و تکلیف الهی بوده است.

همچنین، فعل «صَدَعْتُ» که ریشه در آیه «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» (حجر: ۹۴) دارد، بار قرآنی و خطابی سنگینی دارد که

حامل معنای افشاگری شجاعانه حق در برابر باطل است. افعالی چون «أَقَمْتُ»، «أَمَرْتُ»، «نَهَيْتُ»، «دَعَوْتُ»، همگی

نشان‌دهنده زبانی خطابی با نیت هدایتگری و اقامه حجت هستند. واژه‌هایی مانند «الْحُدُودِ»، «الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»، «الْخَبَائِثِ»،

«الطُّغْيَانِ»، «الظُّلْمِ»، «الْعُدُوانِ» و... واژگانی دینی و اجتماعی‌اند که بار معنایی سنگینی دارند و مخاطب آشنا با فرهنگ قرآنی

به خوبی دلالت‌های آن‌ها را درمی‌یابد. از منظر ساخت لغوی، وجود ترکیب‌های دوگانه و متوازن همچون «الْخَبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ»،



«الْظُّلُمُ وَالْعُدْوَانِ»، و «ذِمَامُكَ وَبَيْعَتُكَ»، بر موسیقی زبانی و انسجام معنایی افزوده است. این ترکیبات، نه تنها از نظر آوایی هم‌آهنگ‌اند بلکه از نظر معنایی نیز مکمل یا تقویت‌کننده یکدیگر هستند. این سبک، یادآور سبک قرآن کریم در تأکید بر معنا از طریق تقارن واژگان است.

همچنین واژگانی چون «الْفَجَارَ»، «الطُّغْيَانِ»، «الْعُدْوَانِ»، و «الْخَبَائِثِ» همگی از میدان معنایی مفاسد و ظلم‌ها هستند و در کنار افعالی چون «نَهَيْتَ»، «وَأَجْهَوْتَ»، و «جَاهَدْتَهُمْ» بار حماسی و مبارزه‌جویانه متن را تقویت می‌کنند. سطح واژگانی در این بخش از زیارت، در عین دین‌مداری، بشدت حماسی و آگاهی‌بخش است و مخاطب را با مسئولیت اجتماعی و فریضه اصلاح‌طلبی امام حسین (ع) آشنا می‌سازد.

۳-۸ اسلوب واژه‌پردازی زیارت ناحیه مقدسه

این زیارت با بهره‌گیری از واژگان کنایی، کنایه‌های رزمی، ترکیب‌های بلاغی، افعال پرشدت، و جملات عاطفی، زبان خود را از یک زبان صرفاً گزارشی فراتر می‌برد و آن را به ابزاری تبدیل می‌کند برای ترسیم صحنه‌های کربلا و القای جان‌سوزی آن در جان مخاطب. بافت واژگانی این متن، از یک سو نشانگر مهارت زبانی گوینده در استفاده از الفاظ فصیح، و از سوی دیگر نشانگر نوعی سوگواری هنری، عمیق و دینی است.

واژه‌پردازی رزمی و تصویرآفرین: برجسته‌سازی صحنه‌های نبرد:

«وَبَدُّوْكَ بِالْحَرْبِ، فَجَبَّتْ لِلطُّغْيَانِ وَالضَّرْبِ، وَطَحَّتْ جُنُودَ الْفَجَارِ، وَافْتَحَتْ قَسَطَ الْعُبَارِ، مُجَالِدًا بِذِي الْفِقَارِ، كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتَارُ»

و تو را با جنگ آغاز کردند، و تو در برابر نیزه‌زدن و شمشیر زدن ایستادگی نمودی، سپاهیان فاجران را درهم کوبیدی، و به گردوغبار نبرد هجوم بردی، با ذوالفقار پیکار می‌کردی، گویی که علی برگزیده بودی.

در این بند، از واژگان پُر توان، با بار معنایی جنگی استفاده شده است:

«الطعن» و «الضرب» (نیزه‌زنی و شمشیرزنی) دلالت بر شدت نبرد دارند.

«طَحَّتْ» از ریشه "طحن" به معنای «آسیاب کردن» استفاده شده تا شدت کوبندگی حرکت امام را تصویر کند.

«قَسَطَ الْعُبَارِ» ترکیبی نادر و شاعرانه است که از ریشه‌های عربی رزمی و اصطلاحات جنگی برای وصف صحنه‌ای مه‌آلود از نبرد استفاده می‌کند.

«ذِي الْفِقَارِ» شمشیر ویژه امیرالمؤمنین (ع) است که حضور آن تداعی گر شجاعت و مشروعیت دینی و تاریخی است.

این زبان سرشار از افعال قوی و رزمی است که نه تنها حرکت را به تصویر می‌کشند، بلکه شکوه و عظمت امام را در صحنه نبرد متجلی می‌سازند. ساختار نحوی نیز کوتاه و ریتم‌دار است و حس سرعت، شدت و استمرار را منتقل می‌کند. تشبیه «كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتَارُ» در پایان جمله، اوج صحنه‌پردازی است و امام حسین (ع) را ادامه‌دهنده مسیر علی (ع) معرفی می‌کند.

واژگان احساس‌برانگیز و هیجانی در توصیف مظلومیت و شهادت:

«تَطَّوُّكَ الْخُيُولُ بِخَوَافِرِهَا، وَتَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاقِرِهَا... فَهَوَّيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحاً... وَرَفَعَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسَكَ، وَسَبَى أَهْلَكَ كَالْعَبِيدِ»

اسب‌ها با سم‌هایشان بر تو می‌تاختند، و ستمگران با شمشیرهای تیزشان بر تو حمله‌ور می‌شدند... و تو بر زمین افتادی در حالی که زخمی بودی... و سرت بر نیزه بالا برده شد، و خانواده‌ات مانند بردگان به اسارت رفتند.

در این بخش، واژگان کاملاً بار عاطفی دارند و فضایی از رنج، مظلومیت و بی‌پناهی را منتقل می‌کنند:



«تَطَوُّكُ» (گام نهادن اسب‌ها بر پیکر امام) و «بَوَاتِر» (شمشیرهای بُرنده) صحنه‌ای جان‌خراش می‌سازند که از واژگانی با خشونت بالا بهره گرفته شده است.

واژه «جَرِيحاً» با سادگی‌اش، دل را می‌لرزاند؛ در کنار آن «فَهَوَّيْتُ» افتادن را با بار اندوه و تسلیم به تصویر می‌کشد. تعبیر «وَفَعَّ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُكَ» (سرت بر نیزه رفت) و «سَبَّيْ أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ» (اسارت خانواده) از تلخ‌ترین نمادهای عاشورایی است که واژگان، به ساده‌ترین شکل، مفاهیمی پیچیده از ذلت ظاهری و عظمت باطنی را منتقل می‌کنند. این واژگان، به سبب سادگی ظاهری و عمق معنایی‌شان، تأثیرگذاری عاطفی بسیار بالایی دارند. زبان به جای آنکه تنها گزارشی باشد، به ابزار خلق تصویرهای حسی و روانی بدل می‌شود. از نظر سبک‌شناسی، واژگان این بخش با کارکردهای بیانی، هیجانی، و نمادین درهم آمیخته‌اند.

استعمال واژگان قرآنی، فصیح و حماسی در وصف تبعات شهادت:
 «فَالْوَيْلُ لِلْعَصَاةِ الْفَسَاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ... وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ... وَالتَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ، وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ، وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِيلُ»

پس وای بر گنه‌کاران نافرمان! آنان با کشتن تو اسلام را کشتند... و آیات قرآن را تحریف کردند... و پس از تو، دگرگونی و تبدیل پدید آمد، و الحاد و تعطیلی (دین) و هواهای نفسانی و گمراهی‌ها. در این بخش، از واژگان قرآن‌محور، با بار دینی و مفهومی استفاده شده است:
 «الفساق»، «العصاة»، «الإلحاد»، «التعطيل»، «الأهواء»، «الأضاليل» همگی از واژگان قرآنی و تفسیری هستند که در دل خود نقدی عقیدتی و اجتماعی دارند.

کاربرد ترکیبات هم‌ریشه و متوازن مانند: «التكبير و التهليل»، «التحريم و التحليل»، «التنزيل و التأويل»، و «التغيير و التبديل» حاکی از فصاحت، سجع معنوی، و سبک خاص ادبی-بلاغی زیارت است. همچنین تضادهای زبانی در این واژگان (مانند تحریم / تحلیل) قدرت تأثیرگذاری معنایی را دوچندان می‌کند. در اینجا زبان بیش از آنکه روایی باشد، نقدی است. واژگان در این بخش، نه تنها رویداد کربلا بلکه تبعات اجتماعی و دینی آن را با زبانی دینی به تصویر می‌کشند.

۴- نتایج پژوهش

افته‌های پژوهش حاضر نشان داد که زیارت ناحیه مقدسه از منظر سبک‌شناسی واژگانی، متنی منسجم، هدفمند و برخوردار از سازمان زبانی ویژه است. در این متن، واژگان تنها نقش انتقال معنا را بر عهده ندارند، بلکه به‌عنوان عناصر اصلی در شکل‌دهی به فضای قدسی، عاطفی، حماسی و آیینی متن عمل می‌کنند. بسامد بالای واژگان کلیدی، تکرارهای ساختاری، کاربرد ترکیب‌های معنایی و بهره‌گیری از واژگان دارای بار دینی و عاطفی، بیانگر آن است که ساختار واژگانی زیارت در خدمت تبیین مفاهیمی چون امامت، ولایت، شهادت، مظلومیت، وفاداری و پیوند عاطفی با اهل‌بیت (ع) قرار گرفته است. بررسی داده‌های واژگانی نشان داد که سبک این زیارت بر سه محور اصلی قداست، عاطفه‌مندی و آیینی‌بودن استوار است. قداست واژگان از پیوند آن‌ها با زبان قرآن، دعا و میراث روایی شیعه ناشی می‌شود. عاطفه‌مندی متن نیز از رهگذر گزینش واژه‌های سوگ‌آمیز، شهادت‌محور و اندوه‌بار تحقق می‌یابد. افزون بر این، آیینی‌بودن متن در تکرارهای خطایی،



ساختارهای منظم و آهنگ معنوی آن آشکار است. این ویژگی‌ها موجب شده است که زیارت ناحیه مقدسه از سطح گزارش تاریخی فراتر رود و به متنی ادبی - دینی با کارکردی معرفتی، عاطفی و هویت‌ساز تبدیل شود.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که گزینش، تکرار و ترکیب واژگان در زیارت ناحیه مقدسه نقشی اساسی در آفرینش زبان قدسی و تقویت اثرگذاری معنوی متن دارد. این زیارت با پیوند دادن زبان وحیانی، زبان سوگ و زبان حماسه، نمونه‌ای برجسته از بیان آیینی در ادبیات شیعی را ارائه می‌کند؛ بیانی که در آن معنا، احساس و ایمان در ساختاری منسجم و هماهنگ به هم پیوند خورده‌اند. از این رو، تحلیل سبک‌شناختی سطح واژگانی این متن می‌تواند ضمن تبیین ویژگی‌های ادبی و زبانی زیارت ناحیه مقدسه، در شناخت دقیق‌تر سازوکارهای زبانی متون دینی و آیینی شیعه نیز مؤثر باشد.

فهرست منابع

- أبوالحاقه. (۱۹۹۶). البلاغة و التحليل الأدبی. لبنان (بیروت): دارالعلم للملایین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق)، لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- الخفاجی، عبدالمعزم. (۱۴۱۲ق)، دراسات فی الادب العربی الحديث مدرسه. بیروت: دار الجیل.
- انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۲)، بررسی اسناد زیارت ناحیه مقدسه، مجله موعود، شماره ۲۲
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۱)، سبک‌شناسی، زبان‌شناسی و نقد ادبی. تهران: نشر نی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳)، لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زبیدی، محمد بن محمد. (۱۳۰۶ق)، تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار مکتبه الحیاه.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم. (۲۰۰۵م)، مناهل العرفان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفة، چاپ سوم.
- شایب، احمد. (۱۹۴۵)، الاسلوب. قاهره: مکتبه النهضة المصرية.
- شمیس، سیروس. (۱۳۸۴)، کلیات سبک‌شناسی. تهران: میترا.
- طالقانی، سید هدایت‌الله. (۱۳۹۱)، همره نور. قم: امیر.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵)، مجمع البحرین. محقق: احمد حسینی اشکوری. تهران: مکتبه الرضویه.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۳۹)، نفس المهموم. تهران: انتشارات ذوالقربی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۱)، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- فضل، صلاح. (۱۹۹۸)، علم الأسلوب، مبادئه و إجراءاته. القاهرة: دار الشروق.
- کشانی، مهدیه و کافی موسوی، اباذر. (۱۴۰۲)، مطالعه مضامین دعاهاى دعاکنندگان در قرآن کریم و آموزه‌های تربیتی مبتنی بر آن. دوفصلنامه دعاپژوهی، ۳(۵)، ۱۹۱-۲۱۵.
- الکواز، محمد کریم. (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن. ترجمه دکتر سید حسین سیدی. تهران: سخن.
- مجدی، وهبه، و کامل المهندس. (۱۹۷۹)، معجم المصطلحات العربیة فی اللغة و الأدب. بیروت: مکتبه لبنان.
- موسوی مقدم، عبدالرزاق. (۱۳۹۱)، مقتل الحسین. قم: انتشارات دلیل ما.
- واشیان، عباس علی، یزدی، سرور و سیدی نیا، زهرا. (۱۴۰۲)، ارتباط آداب پذیرى و عمل‌گرایی با پذیرش دعا « با توجه به آیه ۱۰ سوره فاطر ». دوفصلنامه دعاپژوهی، ۳(۵)، ۲۳۳-۲۵۲
- وردانک، پیتتر. (۱۳۹۳)، مبانی سبک‌شناسی. ترجمه محمد غفاری. تهران: نی، چاپ دوم.

